



گفت و گو با پرتو هوشمندراد (موسیقی شناس) درباره موسیقی اهل حق در شرق کردستان

ترجمه: پژمان اکبرزاده

پرتو هوشمندراد برندهٔ یک جایزهٔ معتبر از «انجمن ملی جغرافیا^۱» در آمریکا، برای پیگیری کار پژوهشی و پاسداری از میراث فرهنگی گُردهای اهل حق به منطقه گوران آمده است. هوشمندراد دکترای خود را از دانشگاه کالیفرنیا در برکلی دریافت کرده و پژوهش‌های گسترده‌ای درباره میراث فرهنگی اهل حق (یارسان) انجام داده است. عنوان پایان‌نامهٔ دکترای او «اجرای ایمان: موسیقی مقدس گُردهای اهل حق منطقهٔ گوران» است که سفارش آن از طریق انتشارات جهانی میکروفیلم دانشگاهی (یو. ام. آی) امکان پذیر است.

به عنوان یک پژوهشگر و نوازنده، تخصص او در موسیقی اهل حق منطقهٔ گوران و موسیقی کلاسیک ایرانی است. او برندهٔ جوایز گوناگونی برای پژوهش در این زمینه‌ها شده است که از آن میان باید به جوایز آلفرد هرتس، آندرو ملون، کنگره ملی گُرد، جایزهٔ پژوهشی علوم انسانی، جایزهٔ الفلاح از مرکز پژوهش‌های خاورمیانهٔ دانشگاه کالیفرنیا در برکلی، و جایزهٔ دانشکدهٔ موسیقی در دانشگاه برکلی اشاره کرد.

پرتو هوشمندراد در حال حاضر به عنوان سرپرست آکادمیک پژوهش و امور اجرایی "مؤسسهٔ فرهنگ‌های جهان" و استادِ مدرّس، در دانشگاه کالیفرنیا، در مرسد، مشغول فعالیت است.

- از اهل حق برایمان بگویید؟

اهل حق (یارسان) یک دین مخصوص به خود با این تعلیم پایه‌ای است که قدرتِ خدا، پس از مقام اولیه نیستی یا یگانگی مطلق، در یک روند دوره‌ای (سیکلیک)، خود را در هفت لایه نمایان (متجلی) می‌کند. این قدرت هفت لایه‌ای خدا «هفت تن / هفتن» نامیده می‌شود. نخستین دورهٔ کامل آشکار شدن دین اهل حق در

¹- National Geographic Society

دنیای مادی به حدود هشتصد سال پیش باز می‌گردد. زمانی که سلطان سحاک برزنجی، این دین را در منطقه هورامان کردستان نمایان کرد.

«اهل حق» برای همه ادیان دیگر احترام قائل است و با وجود اینکه با بعضی از ایده‌های کلی که در دیگر آموزش‌های روحانی و دین‌های دیگر یافت می‌شود، نقاط مشترکی دارد، دینی مختص به خود است. اهل حق به وسیله یک سری عبارات و ایده‌های ویژه و گاهی به امانت گرفته شده، جهان‌بینی خود را بیان می‌کند. این عبارات و ایده‌ها شامل عنوان‌ها، اشیاء مخصوص، مفاهیم منحصر به فرد، اعداد، حروف الفبا، رنگ‌ها، گل‌ها، میوه‌ها، رایحه‌ها و گیاهان، و شخصیت‌های اسطوره‌ای و تاریخی ایران، عناصری از دیگر ادیان، و عوامل دیگر است.

ایده‌هایی که از مأخذ دیگر گرفته شده‌اند گاه به صورت تغییر یافته (به درجات مختلف) مطرح می‌شوند تا بتوانند به بهترین وجه رهنمودهای اهل حق را بیان کنند. در نتیجه، هدف بهره‌جستن از این ایده‌ها و جوهره‌ها، بیان واضح و درست باورهای خود از راه‌های گوناگون، از طریق آن مفاهیم و جوهره‌هاست [خود مفاهیم به امانت گرفته شده در این حالت، اهمیت اصلی خود را از دست می‌دهند].

اگرچه برخی ایده‌ها و عبارات صوفیه و اسلام (به ویژه اسلام شیعی) در متون دینی آنها و در فرهنگ زندگی روزمره شان حضور دارد، مردم اهل حق، بنا به تعریف علمی از اسلام و تصوف، مسلمان یا صوفی نیستند. این حرف بر پایه باورهای خاندان‌های خاموشی و یادگاری اهل حق منطقه گوران، مشاهدات شخصی من از زندگی روزانه و سنن آنها، در چهار- پنج سال گذشته، و مهم‌تر از همه، حضور نشانه‌های فراوان در «دفتر» (متون مقدس اهل حق) بنا شده است.

اکثریت مردم اهل حق، کُرد هستند و در استان کرمانشاه، در منطقه کُردنشین غرب ایران، زندگی می‌کنند. تعداد دیگری از آنان نیز از ملیت‌های دیگر هستند که در دیگر نقاط ایران و جهان پراکنده‌اند.

پژوهش من بر اساس دیدگاه مردم اهل حق منطقه گوران در استان کرمانشاه و با تمرکز بر خاندان‌های خاموشی و یادگاری انجام شده است. این دو خاندان با چهره مقدسی به نام «آسید براکه حیدری» مربوط هستند، که در حدود دویست سال پیش، به دین اهل حق حیاتی دوباره داده است. گوران به عنوان حافظ کهن‌ترین سنت‌های اهل حق، پرآوازه است. متأسفانه، من تا کنون فرصت کار پژوهشی با دیگر خاندان‌های محترم اهل حق را نداشته‌ام، با اینکه از محبت و مهمان‌نوازی آنها همیشه برخوردار بوده‌ام. مردم اهل حق از صلح‌طلب‌ترین، سخاوتمندترین، و فروتن‌ترین مردمانی بوده‌اند که من در طول عمرم دیده‌ام.

- زندگی روزانه، محله‌ها، حال و هوای منطقه، طبیعت، و مردمی که در طول اقامت در آنجا ملاقات کردید چگونه روی شما تأثیر گذاشتند؟ از تجربه‌هایتان برای ما بگویید.

علیرغم شرایط سخت اقتصادی، زندگی بسیار آرامی در کرمانشاه و روستاهای پیرامون آن جریان دارد. مردم برای دیدن یکدیگر وقت می‌گذارند. حتی اگر تمام روز را کار کرده باشند و دو ساعت را هم از کار تا خانه رفت و آمد کرده باشند، شبی را در حیاط و زیر ستاره‌ها با هم می‌گذرانند و لذت می‌برند. نان سنگک به سخاوتمندانه‌ترین شکل و با خوش‌رویی تمام از سوی نانوایان عجیب سخت‌کوش به شما داده می‌شود. رفتگران صبح‌ها لبخند می‌زنند و هنگامی که از کنارشان می‌گذری برایتان آروزی سلامتی می‌کنند. آنها اغلب صبح‌ها وقتی در خیابان‌های کرمانشاه برای دیدن می‌رفتم با محبت به من سلام می‌کردند. مردم اهل حق از جمله صلح‌طلب‌ترین مردمانی هستند که من در طول زندگی‌ام ملاقات کرده‌ام. وقتی را که با استادانم و دیگر خانواده‌های اهل حق گذراندم مایه افتخاری بزرگ برای من بوده است. آنها مهربان، ثابت قدم در دوستی، و دست و دلی بسیار گشاده دارند. خیلی کم صحبت می‌کنند. «پیر» (رهبر مذهبی شان)، آسید نصرالدین، تقریباً هیچگاه سخن نمی‌گوید. هنگامی که با صدای آرامش صحبت می‌کند، همه گوش‌های خود را نزدیک می‌آورند تا بشنوند او چه می‌گوید. سخنان او معمولاً از یک جمله فراتر نمی‌رود. سخنانش همیشه سرشار از محبت و خردمندی است.

- ضمن پژوهش، آیا تجربه خاصی داشتید که شما را به گونه‌ای خاص تحت تأثیر قرار داده باشد؟

اجازه بدهید بخشی از پایان‌نامه‌ام را برایتان بخوانم: «آواز آن پرنده، عجیب‌ترین صدایی بود که در تمام عمرم شنیده بودم. وقتی او می‌خواند، گویی یک روح عظیم تمام روستا را پر از مویه می‌کرد. این نخستین تجربه من از "صدا"، در اولین هفته کار میدانی، در دهکده مقدس توتشامی، در حدود ساعت ۳-۴ صبح بود. این آواز آنقدر بی‌امان بود که تمام دهکده را در برمی‌گرفت و از پارس متوالی و سرمست کننده صداها سگ روستا فراتر می‌رفت، تا پایان شب. روز بعد، از همه می‌پرسیدم آن را شنیده‌اند یا نه. در سفرهای متعدد به توتشامی با بی‌صبری منتظر شنیدن دوباره آن صدا و در صورت امکان، ضبط آن بودم. "پیر" مرا از حضور پرنده در اطراف با خبر می‌کرد و من صدای به هم خوردن سنگین و آرام بال او را می‌شنیدم. اما آن آواز عجیب را دیگر هیچگاه نشنیدم». این عجیب‌ترین تجربه من در طول پژوهش بود.

- چه ارتباطی بین زندگی روزمره اهل حق، و موسیقی و دین آنها وجود دارد؟

زندگی اهل حق پیوسته با ایده قداست، از راه تنبور («تمووره» در گُردی) در منازل، شارب دست نخورده مردها، عکس چهره‌های مذهبی که در خانه‌ها آویزان است، اجرای سلو یا گروهی نظم‌ها (مقام‌ها)، اجرای مراسم دعا دادن مواد خوراکی (جم) و حضور غذای متبرک در خانه، وجود کتاب‌های اشعار مقدس (دفتر) در خانه‌ها، غروب آفتاب، و... پیوند دارد.

- دربارهٔ پژوهشی که انجام دادید برایمان بگویید.

پژوهش و مطالعات اجرایی من در طول بیش از دو سال اقامت ممتد در کرمانشاه (۱۳۷۹-۱۳۸۱) و در ادامهٔ آن، از طریق گفتگوی مرتب تلفنی و سفرهای کوتاه مدت به کرمانشاه تا زمان حاضر، به انجام پیوسته است. کار، شامل کلاس‌های هفتگی و مصاحبه‌های مقطعی و بحث‌های گروهی دربارهٔ برداشت آوازی و سازی (تنبور) نظم‌ها، روخوانی و تفسیر متون مقدّس، آیین‌ها، لهجه‌های گوناگون زبان کُردی رایج در منطقه (شامل زبان مذهبی دین اهل حق، هورامی) و مشاهدهٔ زندگی روزانهٔ مردم اهل حق می‌شد.

برای این فعالیت‌ها، از پشتیبانی سخاوتمندانه و دعای خیر پیر محترم منطقهٔ گوران، آسید نصرالدین حیدری و موهبت کار با دفتردانان و کلام‌خوانان محترم، آگاه و فعال منطقه گوران برخوردار بودم. این استادان محترم شامل استاد اسدالله فرمانی، اسکندرخان دانیالی، سید برزو دانشور، استاد طاهر یارویسی، استاد معارف امیری، کاکه کاکا برار استاد، سید عباس دامن افشان، سید تیمور محرابی، سید عابد محرابی، سید عزیز محرابی، سید ناصر یادگاری، سید خیال یادگاری، درویش جهانگیر رجبی، کاکه عزیز پناهی، کاکه لطیف منهویی، گروه‌های کلام گهواره، تپه گله و سیمانی و استادان محترم دیگر بودند. [افتخار آشنایی و استفاده از معلومات سید عبدالله حیدری، سید شاه مراد حیدری، سید عادل حیدری، درویش جهانگیر درویشی، و کاکه میرزا میرزایی را هم در سال گذشته پیدا کردم].

زبان کُردی (لهجهٔ رایج منطقه) را هم با خانم ملوک تاج پورآویل و خانم سید ماه زنان افتخاری فرا گرفتم. برای فهرست کامل این آموزگاران محترم و خانواده‌های مهربان و عزیز آنها، لطفاً به سپاس نامه پایان نامه‌ام نگاه کنید.

در مدتی که در کرمانشاه بودم افتخار دیگری نیز نصیبم شد. به درخواست آسید نصرالدین حیدری، ویرایش کتاب «راه رهروان یارستان» نوشتهٔ سید برزو دانشور (سال ۸۱-۱۳۸۰)، چاپ انتشارات چشمهٔ هنر و دانش، در کرمانشاه، را به عهده داشتم. این کتاب کوچک، به همت خانم شابی خانقاه، اکنون در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر در آمریکا مانند دانشگاه کالیفرنیا در برکلی فهرست شده است.

جامعه کُرد در کل، و به ویژه در کالیفرنیا شمالی، نیز بی اندازه مرا در شناخت فرهنگ و زبان‌های کُردی یاری داد. در این میان وظیفه دارم از شخصیت‌های محترم زیر سپاسگزاری کنم: خانم شابی خانقاه، (سرپرست بخش خاورمیانهٔ کتابخانهٔ دانشگاه کالیفرنیا در برکلی)، او نخستین آموزگارم در زمینهٔ زبان کُردی و آشنایی با فرهنگ کُرد است. من همچنین توانایی خود را در زمینهٔ خواندن کُردی نوشتاری، که برای بهره‌گیری آسان از فرهنگ کُردی-فارسی هزار بسیار مهم است، مدیون او هستم. همچنین باید از آموزگاران مهربان و سخاوتمندم خانم فرح شهابی و کاکه حسین مفتی، و خانم نسرین جلالی و کاکه

حسن جلالی، در زمینه یادگیری گردی هورامی پاوه و نودشه، سیاست‌گذاری کنم.

- هدف یا تمرکز اصلی در کار شما چیست؟

موضوع اصلی کار من نشان دادن پیوستگی عناصر و آیین‌ها در دین اهل حق، و عملکرد آنها برای رسیدن به درجه‌ای از تطهیر روحانی است که حضور پادشاه عالم غیب، سلطان، را امکان پذیر می‌کنند. در میان عوامل دیگر، اینها شامل ساز مقدّس تنبور، رپرتوار حقیقی و مجازی آوازی و سازی (تنبور)، متون مقدّس، و آیین‌ها (که در قلب آنها «جم»، آیین دعا دادن مواد خوراکی است) هستند. معنی روحانی جم، حضور پادشاه عالم غیب، سلطان است. مفهوم جم به تفصیل در پایان‌نامه بررسی شده است.

برای ایجاد چشم انداز و زمینه مباحث پایان‌نامه، و بررسی جایگاه عناصر موسیقایی و پیوند آنها با دیگر جنبه‌های دین، در گفتار ۱، نمایی کلی از مفهوم آیین در دین اهل حق، با تمرکز ویژه روی آیین جم، ارائه شده است. تنبور و متون، به ترتیب در بخش‌های ۲ و ۳ مورد بحث قرار گرفته‌اند.

در بخش‌های ۴، ۵، ۶ و ۷ موسیقی مقدّس اهل حق گوران، با تمرکز خاص بر روی بحثی تحلیلی از ارتباط متن با موسیقی، در رپرتوار نظم‌ها (واحد‌های موسیقایی سازمان یافته)، ارائه شده است. من نظم‌ها را بر اساس برداشت خود موسیقی‌دانان اهل حق معرفی کرده‌ام: یعنی، به عنوان مجموعه‌ای از «نغمه‌ها و شیوه از پیش تعیین شده‌ای که در آن متن با موسیقی هماهنگ می‌شود، و نه به عنوان «مُد» (Mode) (اصطلاحی در علم موسیقی‌شناسی) یا تعریف کلی که از «مقام» در مباحث موسیقی‌شناسی وجود دارد. به این نظم‌ها به عنوان «مُد» (Mode) هایی [یا مواد مورد استفاده] برای آهنگ‌سازی و بداهه‌پردازی نگاه نمی‌شود؛ از لحاظ سنت اجرایی، پدیده واریاسیون در این موسیقی، فقط به مقدار بسیار اندکی مجاز است. با بررسی شیوه فورمولی که در آن متن‌ها با موسیقی هماهنگ می‌شوند، به نظر می‌رسد که این مجموعه مشخص، ارائه کننده یک زبان ویژه، یکدست، و به هم پیوسته است، به این صورت که گویی یک آهنگساز [از عالم روح]، با هدفی واضحاً نیایشی و با توجه به متن‌ها، آن را آفریده است.

برای نشان دادن جزئیات متنی و موسیقایی که برای درک این رپرتوار، به عنوان یک هستی یکپارچه لازم است، در پایان‌نامه به آن از دید یک اجراکننده نگاه شده است. به این معنی که، دیدگاه‌های کلام خوان و «کلام و سینیل» (گروه خوانندگان که اصطلاحاً کلام را «تحویل می‌گیرند»)، به اضافه دیدگاه خودم به عنوان یک موزیسین، در مدتی که به فراگیری و تمرین این رپرتوار موسیقی مشغول بودم، ارائه شده‌اند.

با انگیزه این آنالیز موسیقایی و با اندیشه حفظ این میراث، نت‌نویسی کلیه نظم‌های منطقه گوران که در حال حاضر رایج است، نیز ارائه شده است. به منظور ارائه مُدل‌هایی که حتی الامکان نزدیکتر به برداشت‌های صحیح باشند، نت‌نگاری‌ها بر اساس انتخاب با احتیاط و دقت بسیار، و بر پایه گوش دادن مکرر به اجراهای

متعدد نظم‌ها در طی چهار سال گذشته پژوهش انجام شده است.

هدف اصلی نت‌نگاری‌ها، ایجاد وسیله‌ای تصویری برای تحلیل و بحث واضح‌تر رپرتوار بوده است. بنابراین، با توجه به اینکه سنت عملی این موسیقی اساساً شفاهی است، در کار اجرایی، شاگردان و استادان باید از نت‌نگاری‌ها به عنوان یک وسیله برای رجوع، استفاده کنند. به منظور وفادار ماندن به جوهره نظم‌ها، هنرآموز این موسیقی، باید تعبیر تنبوری و تعبیر آوازی نظم‌ها را از طریق استادان صاحب صلاحیت و فعال، و گوش دادن و تمرین فراوان، در طول سالیان طولانی بیاموزد.

- آیا انواع دیگر موسیقی نیز با تنبور اجرا می‌شود؟

اگرچه مردم گوران بر این باورند که تنها نظم‌های تنبور، و به عبارت دیگر مجموعه مشخص رپرتوار نظم‌های سلو (تکخوانی) و دسته جمعی (همخوانی) حقیقی، و نظم‌های تکخوانی مجازی تنبور، می‌توانند با تنبور نواخته و خوانده شود، پیر اهل حق گوران، با نوازندگانی که خارج از این محدوده حرکت کنند محترمانه برخورد می‌کند. با این حال، او تغییر دادن یا اضافه کردن چیزی به رپرتوار سنتی تنبور را تأیید نمی‌کند.

این نظم‌ها به عنوان «موادی خام برای آهنگ‌سازی یا بداهه‌پردازی» انگاشته نمی‌شوند. این موسیقی به همراه متن‌هایی که با آن استفاده می‌شود (به ویژه در بخش مقدس رپرتوار)، به عنوان وحی آشکار شده از عالم غیب تلقی می‌شوند. به اضافه، حتی با این که بخش غیر مقدس رپرتوار هیچگاه در یک نشست کلام (همراه با، یا بدون جم - یعنی آیین دعا دادن مواد خوراکی) اجرا نمی‌شود، ولی این قسمت از نظم‌ها نیز بسیار برای اهل حق محترم است. در حقیقت، برخی از دفتردانان و کلام‌خوانان قدیمی‌تر، بر این باورند که نظم‌های مجازی تنبور هم، در هر لحظه می‌توانند حالت مقدس پیدا کنند، به ویژه اگر اشعار دینی اهل حق با آن‌ها خوانده شود.

- در مقایسه با دیگر سنت‌های موسیقایی در دنیا، چه چیزی موسیقی اهل حق را از بقیه مجزاً می‌کند؟

تنبور به عنوان تنها ساز مقدس، رپرتوار موسیقی ویژه (شامل برداشت‌سازی و آوازی)، داشتن پیوند روشن و محکم با دین اهل حق، بستگی آن با آیین دعا دادن مواد خوراکی - یعنی جم - و جلسات گروهی همخوانی (کلام)، و اعتقاد به اینکه بخش مقدس رپرتوار از عالم غیب آمده است.

- شما چگونه به فرهنگ اهل حق علاقه‌مند شدید؟

باید بگویم که سرنوشت بود، صدای تنبور بود. نخستین باری که صدای این ساز مقدس را شنیدم مبهوت شدم. فکر کردم که این صدا از یک دنیای دیگر می‌آید و بلافاصله در قلب خود دانستم که باید این ساز و

این سنت موسیقایی را فرابگیرم. آن زمان به هیچ وجه مطلع نبودم که این ساز، ساز مقدس اهل حق و تجلی یکی از هفت تن / هفتن (هفت روح مقدس دین اهل حق) آنها است.

- برای انجام این پژوهش، به عنوان یک زن تنها در این منطقه با چه موانع و مشکلاتی روبرو بودید؟

فکر می‌کنم بیشتر مردم تشخیص دادند که من با حسن نیت این پژوهش را انجام می‌دهم، بنابراین، به عنوان یک زن دچار مشکلات چندانی نشدم. همچنین از نظر خیر آسید نصرالدین، و سخاوتمندی استادانم، من فقط از مردم احترام و مهربانی دیدم. مهم‌ترین مسئله، تطبیق با عادت‌ها و توقعات فرهنگی جدید بود. با کمک مردم، این پروسه یادگیری برای من چندان طول نکشید. نکته جالب این است که من با مردم چند محله دوست بودم. همه مغازه‌داران محترم و مسئولین رستوران‌ها و کتاب‌فروشی‌ها را می‌شناختم و اغلب در هنگام پیاده‌روی، در خیابان‌های کرمانشاه، دقایقی برای سلام و احوالپرسی می‌ایستادم. علاوه بر مردم کرمانشاه و روستای توتشامی؛ مردم گهواره، تپه گله و سیمانی، زرده، گوره جو، چقابور، و سرپل ذهاب و قصر شیرین، به ویژه با من بسیار مهربان بودند.

همچنین باید اضافه کنم که در جهان‌بینی ادواری دین اهل حق، جسم‌ها صرفاً قالب‌هایی هستند برای روح‌ها. حتی در «دفتر» (کتاب‌های اشعار مقدس اهل حق) اشاره شده که: «روح‌های مقدس آنگاه قالب زن و مرد را پذیرفتند» (ترجمه از اصل هورامی). یکی از هفت تن، «رمزبار» مرتباً به هیأت یک زن تجلی می‌کند (و به صورت اشیاء یا پدیده‌های دیگری که اسرار خدایی را در دل دارند). اعضای دیگر هفت تن هم گاهی به صورت یک زن ظاهر می‌شوند. در نتیجه از نظر آموزشهای این دین، برای یک انسان، ظاهر مرد یا زن داشتن نباید باعث فرقی بشود.

- برنامه آینده شما چیست؟

پی‌گیری پژوهش‌هایم درباره میراث فرهنگی اهل حق، و سنت‌های دیگر موسیقی آیینی در جهان. همچنین در نظر دارم در مورد فرهنگ و زبان‌های گُردی بیشتر بیاموزم. به طور کلی، امیدوارم بتوانم توازنی میان پژوهش، اجرا، و تدریس در فعالیت‌های کاریم به وجود بیاورم.

احتمال در نوامبر امسال برای افراد علاقه‌مند، یک سخنرانی درباره موسیقی اهل حق گوران در نشست سالیانه انجمن اتنوموزیکولوژی در آتلانتا برگزار کنم. این سخنرانی که به دلیل کار پژوهشی در سال گذشته انجام نشد، امسال در نشست سالیانه همین انجمن در هاوایی برگزار می‌شود.

- چه چیزهایی را بیشتر از همه چیز در زندگی دوست دارید؟

پنجره‌های آفتابی و درخت‌های زیاد! چایی با هل تازه - خورد - شده. فنجان و زیر فنجانی چینی سفید

دور طلایی و ظریف، سلامتی، صلح و احساس خوشبختی در قلبم، خوشبختی دیگران، عقل سلیم، کنار فامیل و دوستان خوب بودن، دعا، هوشیاری، یادگیری، خدمت، تنبور، دفتر و خوشبختی بچه ها، تقریباً این چیزها.

- آخرین باری که شما را روی صحنه دیدیم (به عنوان نوازنده سه تار)، در یک کنسرت خیره بره برای ارکستر سمفونیک سان فرانسیسکو بود که در کنار موزیسین های ارزشمندی چون مهوش گرامی و گلنوش خالقی برنامه داشتید.

آیا همچنان فعالیت های اجرایی را دنبال می کنید؟

در چند سال اخیر به ویژه مشغول پژوهش و نوشتن درباره اهل حق بوده ام. این سالها تقریباً سال های ساکتی برایم بوده اند؛ تنبور در طول این مدت، همیشه با صدا و گاهی هم بی صدا، همراهم بوده است.

- مایل هستید چیزی به گفت و گویمان بیفزایید؟

فقط اینکه برای دریافت این هدیه خدا را شکر می کنم و امیدوارم خدمت کوچکی در راه حفظ میراث فرهنگی کردهای اهل حق انجام داده باشم. میراث آنها دربرگیرنده خرد ژرف آن جهانی است که تاکنون بیشتر پنهان و غیرقابل دسترس بوده است. آنها به تدریج خود را به دنیای بیرون باز کرده اند. به هر تقدیر، حالا که دارند آهسته آهسته این فرهنگ را با سخاوتمندی به دنیای بیرون عرضه می کنند، امیدوارند و خواهان این هستند که با این هدیه با دقت و احترام برخورد شود.

همچنین مایلم اضافه کنم که انجام این پژوهش بدون بلند نظری و سخاوتمندی آسید نصرالدین حیدری، استادانم در زمینه فرهنگ اهل حق، مردم اهل حق، حامی آکادمیک من پروفیسور بانی وید (دردانشکده موسیقی دانشگاه کالیفرنیا در برکلی)، پروفیسور بنجامین برینر (همان دانشگاه)، پروفیسور مری مک گن، آر. اس. سی. جی (مرکز عالی الهیات در برکلی)، پروفیسورهای دیگر، پشتیبانی خانواده عزیزم، دوستانم، معلمانم، جامعه گرد در ایالات متحده و ایران، و جوایزی که بیشتر از آنها صحبت کردم، ممکن نمی بود. غیر از افرادی که پیش تر از آنها قدردانی شد، وظیفه دارم از محبت و یاری فراوان خانواده ها، افراد و مؤسسه های محترم زیر نیز سپاسگزاری کنم (به ترتیب الفبا):

خانواده ها:

آزمون، استاد، اصغریور، افتخاری، القاصی، امیری، امینی، باقری، بهزاد، پریشانی، پناهی، پورناظری، پیروی، توکل، جلالی، جمشید پور، جمیل پناه، حیدری، خاموشی، خانجانی، خانقاه، دامن افشان، درویشی، دانشور، دانیالی، رجبی، رسایی، رضایی، روشنگر، رهبری، سبحانی، سجادی، سراج الدینی، سنجابی، سهیلی، شاه ابراهیمی، شریف، شهابی، صالحی، عاطفی، غلامی، فرمانی، قاسمی، قنبری، کاکایی، کرمی، کرمان،

محرابی، مفتی، ملکوتی، منهوئی، میرزایی، نوروزی، وکیلی، هاشمی، یادگاری، یار ویسی.

افراد و بنیادها:

آسید بابا یادگاری، آسید آقا شاه ابراهیمی، جهانگیر اشرفی، فرمان بهبود، دیوید بیثل، داگلاس جانسن، ناصر رستگار نژاد، داریوش زرگری، کاک سامان شالی، حسین علیزاده، مهدی کمالیان، مهوش گرامی، محمد موسوی، درویش نظری و اهل حق ساوه، کارمندان محترم تکیه آسید براکه و منزل آقا و گنبد بابا یادگار و زیارتگاه سلطان، حاجی ابوالقاسم کرمی رییس محترم آژانس سعدی در کرمانشاه و کارمندان فرهیخته آن، مؤسسه فرهنگی ماهور، مؤسسه هومت، ... و همه دوستان و استادان دیگر. در سپاس نامه، اسامی کامل افراد محترم دیگری که مرا در اینکار کمک کرده اند لیست شده است.

از شما برای گفتگوی با ما و آگاهی که به ما دادید سپاسگزاری می‌کنم.

من هم سپاسگزارم بخاطر فرصتی که به من دادید تا درباره اهل حق گوران و کار پژوهشی‌ام صحبت کنم.

ماخذ:

Javid Jahanshah (2005) "Followers of the Truth; Interview with Partow Hooshmandrad on the music of the Ahl-i Haqq in Iranian Kurdistan", Iranian. com, April 7,

(از آنجا که از تاریخ انتشار انگلیسی این گفت و گو، حدود یک سال گذشته، چندین جمله از سوی

خانم پرتو هوشمندراد به اصل متن افزوده شده یا اندکی تغییر کرده اند.)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

